



Examining the Rules of Taqiyyah and Nafy-e Sabil in Iran's International Relations for the Advancement of New Energy Sources

Fahima Fazal Zarandi * & Abdullah Omidifard**

Received: 2023, May 7 | Recieved in revised form: 2021, Jul 4 | Accepted: 2023, Aug 23 | Published: 2023, Oct 23

Abstract

The scope of international relations has been a topic of diverse interpretations. It is possible to trace the origins of international regulations and laws back to the post-World War era. The emergence of Islamic Sharia law, particularly the laws derived from the Quran, in Saudi Arabia during the late 6th century had a profound impact on global civilization. Presently, with Shiites having a robust state, scholars and experts in jurisprudence and law bear the responsibility of establishing appropriate relations with other countries while upholding the dignity of Islam and Muslims. This research focuses on the jurisprudential rules of Taqiyyah (religious dissimulation) and Nafy-e Sabil (negation of subordination), separately analyzing their implications for political relations. The aim is to promote the interests of Iran and explore avenues for accessing new energy sources in accordance with the fatwās (jurisprudential decrees) of contemporary jurists. Furthermore, the research examines how to maintain the best interests (maslahat) and dignity of Muslims by adhering to the rule of Nafy-e Sabil and practicing diplomatic Taqiyyah in relations with countries such as China and Russia, which hold significant international political standing. Additionally, it delves into the contemporary discussion surrounding nuclear jurisprudence, considering Nafy-e Sabil and the views of Iran's leader regarding nuclear energy. The article employs a descriptive-analytical method supported by library resources.



Keywords: International Relations, Jurisprudential Rules of Taqiyyah and Nafy-e Sabil, Acquisition of Nuclear Energy, Atomic Energy Agency, Leader's Stance.

* MA Student in Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, Qom University, Iran, (Corresponding Author) Email: f.zarandy@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, Qom University, Iran, Email: omidifard.f@gmail.com

■ Fazal Zarandi, F., & Omidifard, A., (2023)., Examining the Rules of Taqiyyah and Nafy-e Sabil in Iran's International Relations for the Advancement of New Energy Sources. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 1 (2) 83-113. <https://doi.org/10.22091/RCJL.2023.9113.1018>.



بررسی قواعد تقیه و نفی سبیل در روابط ایران با دیگر کشورها برای دستیابی به انرژی‌های جدید

فهیمة فضل زرنندی* و عبدالله امیدی فرد**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

چکیده

امروزه بینش‌های متفاوتی در گستره روابط بین کشورها وجود دارد. شاید بتوان روابط بین‌الملل و تبیین مقررات و قوانین بین کشورها را به صورت وسیع کنونی، به زمان بعد از جنگ‌های جهانی برگرداند. ظهور شریعت اسلام و به تبع آن قوانین قرآن در اواخر قرن ششم میلادی در عربستان، اثر شگرفی بر تمدن جهان داشته است. امروز که شیعیان به خواست خدا حکومتی مقتدر دارند، عالمان و متخصصان علم فقه و حقوق، موظفند با قواعد فقهی و حقوقی موجود، ارتباط شایسته‌ای با کشورهای دیگر با حفظ عزت اسلام و مسلمین برقرار کنند. این پژوهش، با بررسی جداگانه قواعد فقهی تقیه و نفی سبیل، بازتاب آن را بر روابط سیاسی در جهت ارتقای کشور ایران و دستیابی به انرژی‌های جدید بر طبق فتاوی فقهای معاصر تحلیل می‌کند. همچنین چگونگی رعایت مصلحت و عزت مسلمانان طبق قاعده نفی سبیل و تقیه دیپلماتیک با کشورهایی مانند چین و روسیه که دارای وجهه سیاسی بین‌المللی هستند و نیز بحث جدید فقه هسته‌ای در تطابق با قاعده نفی سبیل و نظر رهبری درباره داشتن انرژی هسته‌ای را بررسی می‌کند. در این نوشتار، از روش‌های تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.



واژگان کلیدی: روابط بین‌المللی، قواعد فقهی تقیه نفی سبیل، مسأله دستیابی انرژی هسته‌ای، آژانس انرژی اتمی، نگرش رهبری.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه قم. (نویسنده مسئول) | f.zarandy@gmail.com

** دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه قم | omidifard.f@gmail.com

□ فضل زرنندی، فهیمة؛ امیدی فرد، عبدالله. (۱۴۰۲). بررسی قواعد تقیه و نفی سبیل در روابط ایران با دیگر کشورها برای دستیابی به انرژی‌های

جدید، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. ۱(۲)، ۸۳-۱۱۳. <https://doi.org/10.22091/RCJL.2023.9113.1018>

مقدمه

با تعریف روابط بین‌الملل، می‌توان ایدئولوژی نظام‌های سیاسی و دولت‌ها را تشخیص داد و با نگاه به حرکت آن دولت در مسیر بین‌الملل هدف‌ها آشکار می‌شود. با توجه به تاریخ برخی کشورها، درک آن‌ها از روابط بین‌الملل مفهومی جز روابط بین دولت‌های قدرتمند در جهت تقویت خود و از بین بردن کشورهای ضعیف‌تر ندارد؛ اما روابط بین‌الملل برای ایران به معنای واقعی کلمه، چیزی جز رعایت انصاف و مساوات برای همه کشورها نیست. فقیهان و حقوق‌دانان مسلمان، از اصطلاح سیر برای تبیین روابط بین‌المللی با سایر کشور اسلامی استفاده می‌کنند (خلیلیان، ۱۳۷۷، ص ۶۰). بخش بزرگی از قواعد فقهی اسلام به همین خط‌مشی سیاسی و چگونگی روابط با سایر کشورها می‌پردازد. فرضیه ما در نوشتار حاضر، این است که قاعده نفی سبیل و قدرت سیاسی و به‌موجب آن قدرت نظامی و علمی، مقدم بر سایر قواعد خواهد بود- اما به‌موجب تقیه مداراتی و روابط دیپلماتیک هوشیارانه.

در حقوق ایران که برگرفته از فقه اسلامی است، به این قواعد توجه شده و در کتب و مقالات بسیاری به آن پرداخته‌اند؛ اما بررسی این قواعد در سطح بین‌المللی به‌صورت تطبیقی، بحث جدید و لازمی است؛ بنابراین هدف در این پژوهش، این مهم است که قواعد فقهی تقیه و نفی سبیل در کنار حقوق بین‌الملل در ارتباط با سایر کشورها بررسی شود و قواعد اسلامی را که از زمان پیامبر (ص) وضع شده، با روابط بین دول و علوم نوین امروزه مطابقت دهیم. تطبیق قاعده تقیه در رابطه با کشورهایایی چون: چین و روسیه، تأثیر بین‌المللی آن در سطح جهان و سپس تطبیق قاعده نفی سبیل با علم جدید انرژی هسته‌ای و پیامدهای دستیابی یا عدم دستیابی آن در استیلای کفار بر مسلمانان، نوآوری در این پژوهش است.

کتاب‌هایی که در این باره نگاشته شده، عبارتند از: /اسلام و حقوق بین‌الملل، نوشته دکتر ضیایی بیگدلی (۱۳۹۵) که در آن آمده: «اگر فلسفه تأسیس حقوق بین‌الملل را تأمین صلح جهانی، تنظیم مناسبات بین جوامع، حمایت از اصل برابری و... بدانیم، بنابراین اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین‌الملل در جهان است». در کتاب /اسلام و حقوق بین‌الملل، نوشته محمد ابراهیمی (۱۳۹۳) نیز به موضوعات و مسائل روز جهان، کنوانسیون‌ها، معاهدات و برتری نظام

حقوقی اسلام بر مقررات بین‌المللی می‌پردازد. کتاب حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، نوشته عمید زنجانی (۱۳۹۴) نیز به ضرورت کاربردی کردن فقه اسلامی توجه دارد. در نتیجه، نیاز مسلمانان به درک بهتر قواعد فقهی در مطابقت با مسائل روز در سطح جهان و ارتباط با سایر کشورها، در موضوع جدید این پژوهش نمایان می‌شود.

روابط بین‌الملل (International relations)

روابط بین‌الملل، مقدم بر حقوق بین‌الملل است و تا زمانی که این روابط برقرار نباشد، حقوق بین‌الملل به وجود نمی‌آید؛ به عبارت دیگر، روابط بین‌الملل زمینه‌ساز اصلی و اساسی حقوق بین‌الملل است؛ بنابراین حقوق بین‌الملل تنظیم‌کننده روابط بین‌الملل است. شمای مذکور، مناسبات نزدیک و متقابل روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد. برخی از حقوقدانان، مخصوصاً حقوقدانان آنگلو ساکسون، حقوق بین‌الملل را جزئی از علم روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند که خود شاخه‌ای از علوم سیاسی است؛ در نتیجه، موجودیت حقوق بین‌الملل را مشروط به آن می‌دانند که در خدمت سیاست به عنوان عامل متمایز و نه انحصاری روابط بین‌الملل باشد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ص ۴)

جامعه سیاسی از فرمانروایان و فرمان‌بران ترکیب شده است. از یک طرف افراد و اشخاص قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر، قدرت حاکم جامعه سریر قدرت است. قدرت در جامعه پا به عرصه وجود می‌نهد و عواملی نظیر نظم عمومی، مصلحت اجتماعی و سود عام که از مظاهر الزامات فرمانروایی است، اجباراً قدرت را در قالب حقوق صورت‌بندی می‌کند و به تدریج از حالت شخصی درمی‌آورد و به نهادهای سیاسی می‌سپارد. جامعه سیاسی فراگیر و کلی است (قاضی، ۱۳۸۷، ص ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۲۳) و قدرت سیاسی بین‌المللی از جمع همین جوامع سیاسی هر یک از حکومت‌ها تشکیل می‌شود.

سیاست بین‌الملل، در رابطه مستقیم با خط‌مشی‌های حکومتی است که این خود معلول رژیم‌های سیاسی، سیاست حزبی و سیاست رهبران کشورهاست. خط‌مشی حکومتی حالت ثابت و دائم ندارد و همواره در حال تغییر است. در نتیجه سیاست بین‌الملل نیز تغییرپذیر است؛ اما حقوق بین‌الملل به صرف تنوع و تغییر رژیم‌های سیاسی و سیاست‌های حکومتی دگرگون

نخواهد شد. اصل دوام کشورها، مؤید اصل دوام تعهدات بین‌المللی کشورهاست. البته این بدان معنا نیست که سیاست بین‌الملل، هیچ تأثیری در تغییر قواعد حقوق بین‌الملل نداشته باشد. (بیگدلی، ۱۳۸۷ ص ۵)

معاهده

هرگونه توافق منعقدۀ کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین‌الملل (کشورها و سازمان‌های بین‌المللی) است، به شرط آن که طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شده و این مقررات بر آن حاکم باشد و در نتیجه آثار حقوقی مشخصی به بار آورد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ص ۹۷)

حقوق سیاسی

حقوق سیاسی عبارت از حقوقی است که در حقوق عمومی داخلی فقط به اتباع داخله تخصیص داده شده و بهره‌مندی از آن لازمه وصف تبعیت است. با این تعریف، خارجی‌ها اساساً از این حقوق محروم هستند و طرز تفکر سیاسی بیش‌تر جنبه ملت‌خواهی دارد؛ یعنی در این سیستم، مصالح اساسی یک ملت را بیش از منافع افراد منظور دارد. (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۹۱)

سیاست خارجی در اسلام

دین مبین اسلام، مجموعه‌ای کامل از احکام و قواعد است که بر پایه آموزه‌های الهی و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بنا شده و در جهت هدایت درست بشر در هر زمان و مکانی نقش‌آفرینی می‌کند. از میان مباحث مختلف فردی و اجتماعی اسلام، تعامل با دیگر کشورها در قالب سیاست خارجی بسیار مهم و باارزش است. باید دانست که منظور سیاست خارجی در اسلام، فعالیت‌هایی است که پیامبر مکرم اسلام (ص) به‌عنوان رئیس حکومت اسلامی و نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه رسیدن به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان گروه‌های دینی و دولت‌های غیرمسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می‌داده‌اند. (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۴۱)

کاربرد اصول فقه سیاسی شیعه در سیاست خارجی نظام اسلامی

با وقوع انقلاب و شکل‌گیری حکومت اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران، فقه سیاسی

در ایجاد نگرش ایرانیان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. رویکرد اسلامی، نه تنها در تکوین انقلاب، بلکه در وجهه انقلابی سیاست خارجی نیز تأثیرگذار بود. مسأله مهم و محوری این است که چگونه می‌توان ضمن حفظ موقعیت ملی، به وظایف فراملی و اسلامی نیز عمل کرد. برای این منظور، ابتدا سعی می‌شود که برخی از اصول بنیادی در سیاست خارجی دولت اسلامی بررسی گردد.

۱. اصل تألیف قلوب در سیاست خارجی

از نظر فقهی، تألیف قلوب، حمایت اقتصادی مسلمانان و یا کفار توسط پیامبر و یا امام و یا فقیه و دولت اسلامی، به منظور جلب آنان برای جهاد و گرایش به اسلام و دفاع از آن است. در این زمینه، دین اسلام برای تقویت ایمان مسلمانان و نیز برای جلب کفار، به مبارزه با طاغوت و یا جلب آنان برای شرکت در دفاع از وطن اسلامی، بودجه مالی ویژه‌ای را در نظر گرفته است که اعمال چنین سیاستی را تألیف قلوب می‌نامند. (شکوری، ۱۳۷۷، ص ۴۸۹)

۲. اصل دعوت در سیاست خارجی

دعوت یعنی درخواست پذیرش اسلام از غیرمسلمان و درخواست کننده اصولاً «داعی» نامیده می‌شود و داعی در دعوت خود باید قصد قربت داشته باشد (شیرخانی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵). دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی در چارچوب اصل «دعوت»، «صدور انقلاب» را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸)

۳. اصل وفای به عهد و عقود در سیاست خارجی

در اهمیت پابندی به پیمان، همین بس که قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد تا زمانی که مشرکان به عهد خود وفا دارند، وفادار باشند (توبه/ ۷). دولت اسلامی بر اساس این اصل، موظف است به تمام پیمان‌های سیاسی و نظامی بسته شده با دیگر جوامع، با دیده احترام بنگرد و التزام و پابندی خویش را حفظ کند. (سجادی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵)

۴. اصل افزایش قدرت در سیاست خارجی یا همان نفی سبیل

قرآن کریم پس از طرح موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر مسأله سیاسی نفی استیلای غیرمسلمانان بر مسلمان تأکید کرده و این اساس حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیرمسلمانان مبنا قرار می‌گیرد. اساساً نفی سبیل می‌تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمانان و ضربه بر استقلال آنان را در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مسدود نماید. (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸)

ریشه اهداف مقدس اسلامی، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌گردد (نساء/۱۴۱). همچنین هم‌بستگی ملی و اتحاد جامعه اسلامی که آرمان‌های مردمی و اسلامی را شامل می‌شود (آل عمران/۱۰۳)، باید بر مبنای این روش‌های جامع برنامه‌ریزی و اجرا گردد و به هیچ وجه قداست و اصالت اهداف و آرمان‌های اساسی نمی‌تواند مجوز و بهانه‌ای برای فرار از روش‌های مزبور باشد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ق، ج ۱، ص ۲۰۹). بر طبق نگرش قرآن در کنار مبارزه برای استکبارزدایی، باید از نفی سلطه و استبداد غافل نشد؛ زیرا گاه از بین بردن استکبار به شرایط و برنامه‌های زمان‌بندی شده احتیاج دارد که در این فاصله، مبارزه برای نفی مظاهر سلطه و استبداد نباید متوقف گردد و قبول هر نوع زورگویی و سلطه بیگانه حرام است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ق، ج ۲، ص ۱۴۰). معاهدات و روابط سیاسی و تجاری که بین دولت‌های اسلامی و غیرمسلمان منعقد می‌شود، اگر موجب تسلط و برتری کفار بر مسلمانان و پایین آمدن شأن اسلام شود، باطل بوده، ترک این اعمال بر تمام مسلمانان واجب است. مسلمانان نباید با این گونه روابط خود را اسیر و وابسته به غیرمسلمانان کنند. (خمینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۵)

۵. اصل ولایت فقیه در سیاست خارجی

به نظر می‌رسد تعریف اصطلاحی «ولایت» بسیار مناسب است: رهبری و اداره امور دینی و دنیوی مردم بر اساس قوانین الهی برای دستیابی به عدالت و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت که لازمه آن فرمان دادن و فرمان‌پذیری است. (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳)

۶. اصل مصلحت عمومی در سیاست خارجی

منظور از مصلحت در حکومت اسلامی، منفعتی است که شارع حکیم برای بندگانش خواسته

است. این منافع شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال، به ترتیب اولویت است. (ظریف و سجادیه، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷)

۷. اصل تقیه در سیاست خارجی

با توجه به مجموع روایات در باب «تقیه» و «کتمان سر و ذم الاذاعه» و قواعدی که به آن استدلال شد، چنین برمی آید که کارها به افراد اختصاص ندارد، بلکه در سطح کلان به‌ویژه در روابط بین جوامع و ملل دیگر با دولت اسلامی، کاربردی وسیع دارد. دولتمردان اسلامی و دیپلمات‌های آن در سراسر جهان و یا مبلغان و سخنگویان این نظام، به‌عنوان اصلی برای جلب افکار عمومی و کاستن تنش‌ها باید به روشی سخن گویند که برای افکار عمومی منطقی و قابل دفاع باشد. (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹)

۸. اصل عدالت در سیاست خارجی

مهم‌ترین رفتارهای عدالت‌طلبانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارتند از: صدور انقلاب اسلامی، مقابله و مبارزه با امریکا و اسرائیل، مخالفت و تلاش برای اصلاح سازمان‌های بین‌المللی - مطابق ایدئولوژی و قانون اساسی (اصل اول و دوم و سوم) حکومت اسلامی ایران. دین مبین اسلام با استکبار و سیاست سلطه‌جویی مخالف است؛ بنابراین از بین بردن خط‌مشی سیاسی استکباری، تنها راه مسدود کردن مداخلات در امور داخلی ملت‌هاست. قرآن، تحمیل و زور را ریشه دخالت می‌داند پس آن را نفی می‌نماید: *لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ* (بقره / ۲۵۶). نیز امر سلطنت خواهی را که پایه مداخله و تجاوز است، رد و باطل می‌کند: *وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا* (نساء / ۱۴۱) و هر نوع سیطره جویی را که خدشه‌ای در اراده بشری ایجاد کند ممنوع دانسته: *لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ* (غاشیه / ۲۲) به‌جای دیگران تصمیم گرفتن را نفی می‌کند: *وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ* (انعام / ۱۰۷) و بر خودمنجی‌پنداری و جایز دانستن دخالت در امور داخلی سایر دول و سرزمین‌ها دست رد می‌زند: *وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ* (هود / ۸۶). (عمید زنجانی ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۴۸۳)

قاعده تقیه

مبانی یا قواعد فقه، فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و

به یک مورد ویژه اختصاص ندارند. قواعد فقهی چنان نیستند که واسطه و وسیله استنباط و کشف احکام گردند؛ زیرا قواعد فقه خودشان «احکام» هستند نه واسطه‌ای برای کشف، ضمن این که عام و شامل هستند نه خاص و موردی. (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۲)

تقیه در لغت، از ماده «وقی، یقی» به معنای صیانت و نگه‌داری است (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۵۲۷) و تاء در ابتدای این واژه در اصل واو بوده؛ مانند واژه «تقوی» که در اصل «وقوی» بوده است (فراهیدی، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۲۳۹). اصل این کلمه در لغت همان «تقوا» و «اتقاء»، به معنای دوری کردن و خویش‌داری است؛ بنابراین تقیه از نظر مفهوم لغوی، به عمل کسی گفته می‌شود که کارش آمیخته با یک نوع مراقبت و پرهیز باشد. همان گونه که مشاهده می‌شود، دو چیز عنصر اصلی تقیه را در این تعریف تشکیل می‌دهد: یکی مسأله «کتمان اعتقاد باطنی» و دیگری «پیشگیری از زیان‌های معنوی و مادی». حالت تقیه به خود گرفتن، معمولاً مخصوص اقلیت‌هایی است که در چنگال اکثریتی نیرومند و زورگو (اکثریت کمی یا کیفی) گرفتار شوند. (مکارم، ۱۳۹۱، ص ۲-۳)

امام خمینی در تبیین لغوی واژه تقیه، آن را به معنای دوری گزیدن، بر حذر بودن و ترسیدن معنا کرده است (خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۵). به نظر می‌رسد ترجمه ایشان از معنای تقیه، تبیین به لوازم این واژه باشد، چنان که بعضی از لغویان هم این گونه ترجمه کرده‌اند. (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ ق، ج ۴، ص ۹۱۵)

معنای اصطلاحی تقیه، اخص از معنای لغوی آن است. عالمانی مانند شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۷)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۰۰ ق، ج ۲، ص ۱۵۵) و شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۱)، تعاریفی برای این واژه آورده‌اند. امام خمینی در تبیین فرق بین عنوان تقیه و اکراه، تقیه را چنین تعریف کرده است:

«تقیه عبارت است از این که انسان اعمال موافق مذهب غیر خودش را برای اجتناب از شر گروهی که مخالف مذهب او هستند، انجام دهد- بدون قید اکراه یا تهدید؛ اما درنهایت، مفهوم تقیه را اعم از مفهوم اکراه دانسته است. (خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۳-۲۲۵)

ایشان در جای دیگر تقیه را این گونه تعریف کرده است:

«تقیه را امری می‌دانند که برخلاف واقع شریعت بگوییم یا فعلی را آن‌گونه که در شرع خدا آمده، انجام ندهیم برای حفاظت از خون یا ناموس یا اموال خود یا دیگران». (خمینی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۸)

تعریف دوم، کامل‌تر از تعریف اول است، چون هم از لحاظ تقیه در گفتار و کردار عمومیت دارد و هم از حیث «متقی منه»؛ یعنی تقیه علاوه بر این که در مقابل مخالف مذهب مشروعیت دارد در مقابل مخالف دین و مخالفان هم‌مذهب نیز مشروعیت دارد.

معنای اصطلاحی تقیه

تعبیرهای مختلفی از علمای گذشته برای معنای اصطلاحی تقیه به ما رسیده که مضمون آن‌ها نزدیک به هم است؛ از جمله شیخ مفید در کتاب *تصحیح الاعتقاد* می‌نویسد:

«تقیه کتمان حق و پوشاندن اعتقاد به آن و مخفی داشتن عقیده نزد مخالفان و ترک اظهار عقیده بر ایشان در مواردی است که موجب ضرر در دین و دنیا می‌شود». (مفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۶)

شهید اول نیز در کتاب *قواعد* می‌نویسد:

«تقیه آن است که نزد مردم - برای پرهیز از کینه‌های درونی‌شان، همان مقدار که می‌فهمند، اظهار کند و آنچه را که انکار می‌کنند، ترک کند». (شهید اول، ۱۴۰۰ ق، ج ۲، ص ۱۵۵)

شیخ انصاری نیز در رساله‌ای که درباره تقیه نوشته، آورده است:

«مراد از تقیه در اینجا این است که به سبب موافقت با قول و فعل کسی که مخالف حق است، خود را از ضرر او حفظ کنی». (انصاری، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۱)

امام خمینی دو تعریف از تقیه دارد:

الف) «انجام اعمال و تکالیف شرعی مطابق قول گروه مخالف به منظور جلوگیری از ضرر و آسیب از سمت آن‌ها». (خمینی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۲۳)

ب) تقیه را امری می‌داند که برخلاف واقع شریعت بگوییم یا فعلی را آن‌گونه که در شرع خدا آمده، انجام ندهیم برای حفاظت از خون یا ناموس یا اموال خود یا دیگران. (خمینی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۸)

اقسام تقیه

امام خمینی در رساله تقیه، آن را در چهار بخش دسته‌بندی کرده است:
اول، تقیه ذاتاً:

۱. تقیه کردن به خاطر هراس از ضرر جانی و یا حتی خدشه‌ای برای مسلمانان و یا اسلام مانند ترس از ایجاد تفرقه. (تقیه خوفی)

۲. تقیه کردن با هدف دوستی با گروه مخالف، باوجود این‌که ترسی از ضرر و زیان طرف مقابل و مخالف نداریم (تقیه مداراتی یا تحبیبی). مدارات در لغت، از باب مفاعله و از ماده «دری» یا «درء» هست و در لغت به پوشاندن دشمنی و نرم‌خویی معنا شده است. (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۳۳۴ و ۲۳۳۵)

۳. تقیه‌ای که با قید ضرورت و اضطراب مجاز می‌شود. (تقیه اجباری یا اکراهی)

۴. تقیه‌ای که در مقابل رژیم ظالم صورت بگیرد و مانند تقیه در مقابل افشا و انتشار اعمال یا اسناد گروه حق و در حقیقت رازداری کردن است. (تقیه کتمان)

آیت‌الله مکارم تقیه را در سه دسته قرار می‌دهد: خوفی، تحبیبی و تدبیری. البته ایشان به قسم چهارم اشاره دارد و آن را تقیه در برابر افشا و نشر سرّ معرفی می‌کند و حکم سیاسی برای آن قائل می‌شود اما آن را جزئی از تقیه خوفی قرار می‌دهد. (مکارم، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۲ و ۲۳۹ - ۲۴۱)

دوم، تقسیم تقیه شخصاً؛

سوم، تقسیم تقیه نسبت به افرادی که با آن‌ها اظهار موافقت می‌شود؛

چهارم: تقسیم تقیه به حسب فعل.

امام درباره حکم تقیه در موارد بالا می‌گوید:

«نسبت به فرد تقيه شده عام است؛ یعنی فرقی ندارد که تقيه نسبت به کافر باشد یا مسلمان، مخالف باشد یا غیر مخالف. ولی اکثراً تقيه در مقابل گروه مخالف صورت می‌گیرد؛ باین وجود، موجب انحصاری شدن تقيه نمی‌شود؛ زیرا این روایات کثیر به معنای مختص به گروه مخالف نیست». (خمینی، ۱۳۶۳، ش، ص ۱۱)

ایشان انجام دادن برخی از اعمال تقيه را حرام می‌داند:

۱. تقيه کردن در اعمالی که در اسلام و برای مسلمانان خیلی مهم و اساسی است مانند ویران کردن خانه خدا و مشاهد مشرفه، رد کردن اسلام و قرآن و تفسیر نادرست قرآن که موجب گمراهی اشخاص شود.

۲. جایی که شأن و موقعیت اجتماعی فاعل تقيه موجب آسیب به اسلام شود و حرمت آن عمل شرعی با تقيه او از بین برود.

۳. تلاوت بسم الله با صدای بلند است و شرب مسکر و مسح کشیدن بر کفش و متعه حج؛

۴. تقيه‌ای که موجب خونریزی شود؛

۵. براءت از امیرالمؤمنین و سایر ائمه.

ایشان اعمال تقيه‌ای را حرام می‌داند که اصلی از اصول اسلام یا مذهب یا یکی از ملزومات دین در معرض نابودی یا دگرگونی قرار گیرد (خمینی، ۱۳۶۳، ش، ص ۲۲، ۲۰، ۱۴، ۱۳ و ۳۱). درجایی که اساس دین در خطر است یعنی در گزینش میان حفظ اساس و کیان دین و حفظ نفس به وسیله تقيه کردن، حفظ دین اولویت دارد. (خمینی، ۱۳۸۵، ش، ج ۱، ص ۱۷۸)

تقيه، واجب نفسی یا غیری

امام درباره نفسی یا غیری بودن تقيه می‌نویسد:

«تقيه با توجه به روایات ممکن است هم غیری و هم نفسی باشد. تقيه غیری را تقيه به خاطر ترس از جان و عرض و مال می‌داند و حفظ نفس از وقوع در هلاکت را در این موقعیت‌ها جزء واجب نفسی قرار می‌دهد و لذا تقيه، مقدمه آن است و تقيه‌ای که مطلقاً نفسی باشد، حفظ اسرار تشیع و اهل بیت علیهم السلام است». (خمینی، ۱۳۸۷، ش، ص ۳۴)

آیت‌الله مکارم در این خصوص می‌گوید:

«در ابتدا از ادله تقیه استفاده می‌شود که واجب غیری باشد (حفظ خون و دوری از هلاکت نفس)؛ اما بعد می‌گویند: انصاف این است که ظاهر اطلاقات ادله تقیه واجب نفسی را نشان می‌دهد و انجام تقیه عین مصداق نفس و ترک آن عین مصداق ضایع کردن نفس است و اثری از مقدمه بودن نیست». (مکارم، ۱۳۹۴، ص ۲۲۵-۲۲۷)

اختلاف امام خمینی با شیخ انصاری و آیت‌الله خویی در تقیه مداراتی

امام خمینی تقیه مداراتی را در عرض تقیه خوفی ولی شیخ انصاری تقیه خوفی را در طول تقیه مداراتی می‌داند. امام حکم تکلیفی تقیه مداراتی را واجب ولی شیخ آن را مستحب می‌داند. همچنین امام جلب محبت و ایجاد صلح و وحدت را شرط وقوع تقیه قرار می‌دهد، در حالی که شیخ در تحقق تقیه، ضرر تدریجی را لازم کرده است (انصاری، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۷۴). آیت‌الله خویی این تقیه را از تقیه خوفی تفکیک کرده ولی آن را خارج از مقسم تقیه دانسته، چون از نظر ایشان، مقوم تقیه، خوف ضرر است (خویی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۳۱۴-۳۱۸). بی‌شک این اختلاف بینش نسبت به تقیه مداراتی در عالم واقع، آثاری بر عدم تفرقه و وحدت اسلامی خواهد گذاشت.

حکم تکلیفی تقیه مداراتی

امام خمینی در رساله تقیه و استثنائات خود، قائل به وجوب تکلیفی عمل به تقیه مداراتی است. ایشان خوف بر نفس را شرط جواز تقیه مداراتی حتی حکم وجوب آن نمی‌داند بلکه شرط و ملاک ایشان، رعایت مصالح نوعیه در مقابل گروه مخالف است. «مصلح نوعیه» یعنی مصالحی مثل وحدت و انسجام بین مسلمانان، سبب وجوب این تقیه شده است و در کل ایشان، تقیه و کتمان سر را واجب می‌داند حتی اگر خوف بر نفس نداشته باشیم. (خمینی، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۱)

شیعیان امروزه از ابواب مختلف فقهی ملزم به تقیه هستند؛ مانند آنجا که جان مسلمانان به خاطر عقایدشان و بداندیشی نژادپرستان در خطر قرار می‌گیرد. وقایعی مانند کشتار مردم مسلمان چین، میانمار، هند و پاکستان، نشان‌دهنده این امر است. در سال‌های اخیر گروهی در چین با

نام جدایی‌طلبان قومی چین، کارهایی کردند که منجر به ویرانگری و اقدامات تروریستی شد که بر اوضاع عمومی جهان و مخصوصاً دگرگونی‌های سیاسی در آسیای مرکزی نقش مهمی داشته است. برخی از کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال برای حفظ سیاست داخلی خود، شعار «میهن مشترک» را مطرح کردند. بی‌گمان این اعمال سیاسی برای چین که در مرزهای خود با همسایگانش اقوام مشترک دارد، ناخوشایند است؛ چون ثبات داخلی این کشور را از بین می‌برد و کسانی که عامل اصلی این بی‌نظمی‌ها هستند بر روابط کشورها تأثیر سوئی دارند (جائو چانگ، گوانگ چنگ، جوانگ جی، ۱۳۷۹). تقیه و حفظ جان، بر مسلمانان چین که در این وضعیت قرار دارند، واجب است مخصوصاً که دولت حاکم بر آنان به شیوه اسلام هراسی و تروریسم‌خوانی برای حفظ کشورش دست زده است.

عالمان مسلمان برای اثبات ضرورت تقیه، دلایلی از قرآن، سنت، عقل و اجماع مطرح کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ ق، ص ۹۲)؛ اما علامه مجلسی افزون بر این موارد، مؤمن را در پیشگاه خداوند عزیز می‌داند و در صورت احتمال ضرر، انجام دادن برخی از کارها را جایز نمی‌داند. (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۳، ص ۱۰۳)

تقیه برای کشور ایران متفاوت از سایر مسلمانانی است که در کشور اسلامی زندگی نمی‌کنند. ایران برای حفظ وحدت تشیع با سایر کشورهای اسلامی مانند امارات، عمان و...، مودت دارد ولی در مقابل سایر کشورها مثل چین که دست به کشتار مسلمانان می‌زند، وظیفه دیگری دارد و نمی‌توان به صرف حفظ منافع کشور خود هیچ‌گونه اعتراض بین‌المللی به رفتار خشونت‌آمیز چین و یا امثال این رفتارها در هند، پاکستان، یمن و... نشان ندهد؛ بلکه مطابق قاعده تقیه و حقوق بشر اسلامی، سکوت جایز نیست. اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانیسیم - آن‌گونه که در تفکر غرب دیده می‌شود. بر اساس تفکر فلسفی اسلام، انسان موجودی خودآفریده و مستقل نیست بلکه مخلوق خداوند است و تابع قوانین کلی آفرینش خداوند. عنصر حقوقی و سیاسی «مصلحت جامعه» در تفکر اسلامی، به تئوری احکام حکومتی دولت مشروعیت بخشیده و بدین‌وسیله در موازنه حقوق و آزادی‌های

فردی و اقتدارات دولت موجب افزایش اختیارات دولت گردیده است. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ص ۲۷ و ۲۹)

بدون تدبیر است اگر تصور کنیم حکومت اسلامی، کشور را در انزوای مطلق فرو خواهد برد و مرزهای خود را به روی دنیا خواهد بست. این یک انتحار اجتماعی است و انتحار به هر شکل در اسلام ممنوع است، منتها باز اصل «ستم مکن و زیر بار ستم نرو»، بر تمام این روابط سایه خواهد افکند. باید در همه جا، به قاعده کلی لزوم «حفظ حوزه اسلام و مصالح مسلمین» و اصل اساسی «إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ أَنْ يَذِلَّ الْعَبْدُ نَفْسَهُ؛ خدا دوست ندارد کسی با دست خود خویشتن را ذلیل سازد»، توجه شود. پس هر گونه پیمان، معاهده و هر رابطه‌ای که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم آن، ذلت و سرافکندگی جامعه اسلامی باشد، ممنوع است. البته اسلام بستن پیمان‌های نظامی با غیرمسلمانان را اجازه نمی‌دهد، ولی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توأم با احترام متقابل، حفظ منافع و رعایت حقوق طرفین منع نمی‌کند. در اسلام همه مسلمانان به چشم برادر به یکدیگر می‌نگرند و مرزهای کنونی هیچ‌گاه آن‌ها را از یکدیگر جدا نمی‌سازد و درعین حال حقوق غیرمسلمان را جامع‌تر از اعلامیه حقوق بشر محترم می‌شمرد. (مکارم، ۱۳۵۷ ش، ص ۴۲-۴۱)

چالش و فرصت‌های ایران در محور امنیتی- اقتصادی آسیای مرکزی (چین و روسیه)

از نظر واقع‌گرایان تدافعی، قدرت‌های بزرگ بازیگران عقلانی هستند. آن‌ها به محیط خارجی خود آگاهند و برای بقای خود در این محیط بین‌الملل، رفتار راهبردی مناسب را انتخاب می‌کنند. از برداشت ساختارگرایانه این دسته از واقع‌گرایان به نظام بین‌الملل و فضای آنارشیک آن، مفهوم توازن نیز شکل می‌گیرد. توازن منطقه‌ای در وضعیت آنارشی شکل می‌گیرد. والتز استدلال می‌کند:

«سیاست بین‌الملل در تمامیت خود دفع قدرت است؛ بنابراین درنهایت، به توازن

قوای دولت‌ها در مقابل هم منجر می‌شود». (Waltz, 1991:669)

اول، اگرچه سیاست خارجی چین و روسیه به سمت توازن در منطقه گرایش دارد، ایران در محور توازن چین و روسیه که آن‌ها را به‌عنوان شرکای استراتژیک خود می‌داند، با

وضعیتی دوگانه مواجه است. از جمله این که روابط اقتصادی ایران و روسیه در منطقه بنا به برخی دلایل، به گونه‌ای است که طرفین را به تعهدات بلندمدت رهنمون نمی‌سازد.

(Hodek and Panadero, ۲۰۱۹:۲۹)

دوم، سرنوشت طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک اقتصادی ایران و روسیه از جمله در بخش‌های نفت و گاز و تلاش‌های متقابل برای مقابله با تحریم‌های ایالات متحده هنوز نامشخص است. (Divsalar, 2019: 29)

سوم، اگرچه جمهوری اسلامی ایران از اکتبر ۲۰۱۹ همکاری خود با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در چارچوب موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری آغاز کرد، در مقابل به نظر می‌رسد تلاش‌های روسیه برای حفظ روابط اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و تأمین انحصار بخش‌های مختلف اقتصاد به منظور محدود کردن همکاری واقعی و مؤثر با سایر بازیگران انجام شده است. (Hauer, 2018)

چهارم، علاوه بر این توافق، تجارت ایران با اتحادیه اوراسیا و تلاش‌های بی‌پایان آن برای سرعت بخشیدن به حمل و نقل شمال - جنوب و تمرکز ویژه بر توسعه بندر چابهار به گسترش روابط ایران با شرق بستگی دارد. درواقع با خروج امریکا از برجام، روابط ایران با چین و روسیه در سیاست خارجی ایران سرعت گرفته است.

پنجم، در رابطه با بازار فروش و ترانزیت انرژی است. (Oseiwich, 2018)

عضویت کامل ایران در شانگهای می‌تواند علاوه بر ارتقای وضعیت منطقه‌ای ایران با افزایش تجارت نفت با سایر اعضای آن در درجه اول با چین و هند به کاهش تأثیر منفی تحریم‌های ایالات متحده کمک کند که ورود سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی ایران را محدود کرده است. (Garlick and Rodka, 2020:5) ایران برای عضویت کامل در شانگهای باید بتواند توانایی خود را به عنوان یک شریک بین‌المللی منطقی و قابل اعتماد برای چین، روسیه و کشورهای منطقه نشان دهد. برای این منظور، اگر خاورمیانه به عنوان حوزه افزایش قدرت ایران دیده شود، آسیای مرکزی و سازمان همکاری شانگهای جایی است که جمهوری اسلامی باید رگه تدافعی سیاست خارجی خود را نشان دهد.

حفظ روابط متناسب با سایر بازیگران بین‌المللی می‌تواند ارزش راهبردی ایران را در نگاه روسیه یا چین افزایش دهد. در این خصوص به‌ویژه روابط با چین در پرتو حفظ روابط ایران با اروپا در مجموعه غرب اهمیت بیش‌تری دارد؛ زیرا چین یک اقتصاد جهانی شده و در منابع مالی و تجاری با غرب وابستگی دارد (برزگر، ۱۳۹۷، ص ۲۰۱). در مجموع می‌توان گفت: به هر میزان که روابط ایران با جامعه جهانی متنوع‌تر و متوازن‌تر باشد، در مقابل روابط با چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی نیز تعاملی‌تر و دوجانبه‌تر خواهد بود. پس اگرچه ایران در موارد زیادی با کشورهای مثل چین و روسیه اختلاف اعتقادی دارد، بنا به قواعد فقهی تقیه و نفی سبیل و تعامل و اصل اهم و مهم، باید در مواقع مختلف بهترین شیوه تعامل را انتخاب کند که به نفع جان و عزت مسلمانان باشد.

قاعده نفی سبیل

قواعد در اسلام دو بخش می‌شوند: یکی قواعد اولیه است و تا زمانی معتبرند که معارض با قاعده اهم نباشد. دوم، قواعد ثانویه که بر قواعد و مقررات اولیه حاکم است. در موارد خاص، هرگاه منافع و ارزش‌های اساسی اسلام، در معرض خطر قرار گیرد، قواعد ثانویه فقهی که ضامن تأمین ارزش‌های والا و اساسی اسلام است، قواعد اولیه را کنار زده، آن را باطل می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۷). قاعده نفی سبیل، جزو قواعد ثانویه فقهی است که گاه خود را با «العلو»، «الاستعلاء» و «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه» نمایان می‌کند (نجفی ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۰۶). مطابق قاعده نفی سبیل، هر عملی مطلقاً یعنی چه فردی یا گروهی و معاملات یا روابط بین مسلمانان و کفار، چه خصوصی چه عمومی، اگر سبب برتری دشمنان دین یا غیرمسلمان شود، حرام است. بر مبنای شریعت اسلام در تمامی بخش‌ها -چه داخلی، چه خارجی، فرهنگی، سیاسی و...- به‌هیچ‌وجه سلطه کفار و غیرمسلمانان پذیرفته نمی‌شود (موسوی بجنوردی ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۹۳؛ قمی ۱۴۲۳، ص ۱۴۰؛ سیفی مازندرانی ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹). امام نیز در قاعده نفی سبیل، بر امر عدم سلطه کفار تأکید می‌نماید و چکیده قاعده را این‌گونه بیان می‌کند که خداوند راهی برای برتری و استیلا کفار بر مسلمانان در

عالم تکوین قرار نداده است. ایشان استدلال برخی از مسلمانان به تقدیر و مشیت الهی برای تحمل ظلم و زور کفار را رد می‌کند.

مستندات قرآنی و روایی، مهم‌ترین ادله این قاعده است. آیات متعددی برای حجیت قاعده نفی سبیل، در منابع ذکر شده، اما بیش‌تر علما به آیه ۱۴۱ سوره نساء (*وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا*) استناد می‌کنند. امام این آیه را از دلایل اصلی قاعده می‌داند (خمینی ۱۴۲۱ ج ۲، ص ۷۲۰-۷۲۷). سبیل در لغت از نظر ایشان، به معنای طریق است (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۲۱) و یا سبیل به معنای حجت در روز قیامت است. احتمالات مختلفی در معنای سبیل گزارش شده است:

نظر اول: مراد، جعل تشریعی است؛ یعنی خداوند متعال در عالم تشریع، حکمی وضع نکرده که موجب سبیل و سلطه کافران بر مؤمنان باشد. (بجنوردی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۱۸۸)

نظر دوم: علاوه بر جعل تشریعی، جعل تکوینی نیز مراد است؛ یعنی خداوند سبجان در عالم تکوین نیز برای کفار، غلبه‌ای بر مؤمنان قرار نداده، بلکه همیشه مؤمنان غلبه دارند. (خمینی، ۱۴۲۱ ج ۲، ص ۷۲۳)

نظر سوم: علامه طباطبایی نکته ظریفی را معتقد است که این عدم سبیل و سلطه در دنیا و آخرت از سوی کفار، مادامی است که مؤمنان به لوازم ایمان خود ملتزم باشند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۱۱۶)

پاره‌ای از محققان معتقدند: آنچه با ظاهر این آیه شریفه بیش‌تر تناسب دارد و در عمل هم امکان اجرا می‌یابد، نظریه اول است؛ چرا که این آیه به مقام تکوین و چگونگی تحقق خارجی روابط کافران و مؤمنان مربوط نیست؛ بنابراین امام و برخی از فقها بر این باورند: همان‌طور که «قاعده لا ضرر و لا ضرار» و «قاعده لا حرج» بر ادله تولیت، حکومت واقعی دارند، قاعده نفی سبیل نیز بر ادله اولیه، حکومت واقعی دارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸ ج ۳، ص ۲۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۴۵). بنا بر اندیشه امام خمینی، حرج بر ادله نفی سلطه هم مقدم است (خمینی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۳۶-۲۳۵)؛ چرا که امام تأکید می‌کند که نفی حرج شامل همه احکام وضعی و تکلیفی است و حتی بر ادله ثانویه هم حاکم است (خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص

(۲۴۲)؛ امام معتقد است: روابط حسنه لازم است اما نباید باعث سلطه خارجی و دخالت شود (خمینی ۱۳۸۱ ش، ص ۱۶)؛ اما برخی از فقها، قاعده نفی سبیل را با سایر ادله و احکام اولیه هم‌رتبه می‌دانند و به حکومت قاعده بر دیگر ادله در زمان تعارض معتقد نیستند. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۵۸۵)

مهم‌ترین حدیثی که فقها در اثبات این قاعده طرح کرده‌اند، روایت از پیامبر مهربانی‌ها مشهور به «حدیث علو» است: «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه و الکفار بمنزلۃ الموتی لا یحجبون و لا یرثون». (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۳۴)

اجماع و عقل

صاحبان کتب قواعد فقهی، به ادله دیگری همچون اجماع و عقل استدلال کرده‌اند که در این ادله مناقشه شده است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۳۳؛ بجنوردی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۱۸۵)

تطبیق نفی سبیل با برخی مسائل روز

۱. نفی سبیل و استقلال در اقتصاد

استقلال یکی از اصول اساسی اندیشه اسلامی است. استقلال در حقیقت همان عدم سلطه و سبیل به شمار می‌آید که دارای شمولی از استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است (آزیر، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۶۵). در این میان استقلال اقتصادی بسیار مهم است. امام بر استقلال اقتصادی تأکید دارد و می‌گوید:

«ما باید با تمام قوا و نهایت کوشش، خود را از وابستگی خارج کنیم. برای دستیابی به استقلال در تمام زمینه‌ها اولین مرحله رسیدن به استقلال اقتصادی است». (خمینی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۰، ص ۴۳۳)

۲. کارگری مسلم و کارفرمایی کافر

بحث کار کردن مسلمان در شرکت‌هایی است که غیرمسلمان ریاست آن را بر عهده دارد. برخی از بزرگان فقه مانند آیت‌الله بهجت بر مبنای این قاعده، تسلط کافر بر مسلمان را شرط جایز شمردن این امر قرار می‌دهند (بهجت، ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۱۸۶). درست است که قاعده

نفی سبیل را نمی‌توان تنها دلیل در این زمینه فقهی دانست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۱)، ولی همین نظرهای متفاوت در مورد معنای سبیل، سبب ایجاد فتاوی گوناگون فقهی می‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۴۸)

مسئله دستیابی به انرژی هسته‌ای

انرژی هسته‌ای به‌دوراز جنبه خطرناک آن، یک فناوری به‌روز است که می‌تواند ایران را از بسیاری از انرژی‌های آلوده و نیروگاه‌های پرهزینه نجات دهد و حتی برای کشور و مردم ایران سودآور باشد اما این که چرا کشورهای اداره‌کننده سازمان ملل با دستیابی ایران به این انرژی کارشکنی می‌کنند و از حق و امتیازات بین‌المللی خود در جهت محدودیت ایران استفاده می‌نمایند (مانند تصویب قطعنامه‌های شماره ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل به پیشنهاد امریکا و سه کشور اروپایی)، تنها یک دلیل می‌تواند داشته باشد و آن به دلیل سیاسی و قطب‌بندی‌های حاکم بین‌المللی است. در هر صورت مطابق قاعده نفی سبیل و عدم پذیرش سلطه کفار بر مسلمین، دستیابی به این انرژی برای کشور ما لازم است و حتی دستیابی کامل ما به این انرژی باعث کنترل بیش‌تر کشورهای دارنده متخاصم می‌شود. این امر که ما چه میزان کوشش در عرصه بین‌المللی برای بهره‌مندی عالی‌تر از انرژی هسته‌ای داشته باشیم به این دو امر وابسته است: «میزان انحصار عرضه کنندگان» و «توانایی مالی دریافت کنندگان آن». تنها تعداد اندکی از دولت‌ها، دارای دانش فنی لازم و منابع مالی کافی برای استفاده و گسترش فناوری هسته‌ای هستند. (بیگزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۶-۱۷)

آژانس انرژی هسته‌ای (Nuclear Energy Agency)

آژانس انرژی هسته‌ای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۱۹۵۷ تأسیس شد. این آژانس به اعضا کمک می‌کند تا از انرژی هسته‌ای به‌عنوان یک منبع انرژی ایمن و قابل قبول از نظر زیست‌محیطی و اقتصادی استفاده کنند. این آژانس دنبال ارتقای همکاری بین دولت‌های عضو در آژانس زمینه ایمنی و جنبه‌های نظارتی انرژی هسته‌ای و توسعه آن برای پیشرفت اقتصادی است و این امر، از طریق ترغیب به هماهنگ‌سازی‌های سیاست‌گذاری‌های ملی و قانونی (با اشاره خاص به ایمنی تأسیسات هسته‌ای) مدیریت

می‌شوند که از انسان‌ها در برابر تشعشعات یون‌ساز و زباله‌های رادیواکتیویته و مواد سمی هسته محافظت می‌نماید. (بشری، ۱۳۸۵)

شیوه همکاری بین‌المللی (Non-Proliferation Treaty Nuclear)

پس از آن‌که آمریکا در دوران جنگ جهانی دوم از بمب اتمی استفاده کرد، سایر کشورهای بزرگ برای دستیابی به این سلاح بسیار مشتاق گشتند؛ از جمله: شوروی سابق، انگلیس، فرانسه و جمهوری خلق چین. در این بین تلاش‌های بین‌المللی برای جلوگیری از استفاده‌های غیر صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای، موجب شد معاهده ان پی تی به عنوان تنها معاهده چندجانبه الزام‌آور در این زمینه در یک مقدمه و یازده ماده منعقد شود. در معاهده عدم اشاعه، توجه به محدود کردن گسترش سلاح‌های هسته‌ای از طریق سه رکن عدم اشاعه، خلع سلاح و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. بر اساس ماده ۴ معاهده عدم اشاعه، کشورهای عضو حق دارند در «فعالیت به‌تنهایی و یا با همکاری سایر کشورها» برای توسعه بیش‌تر کاربردهای صلح‌آمیز هسته‌ای اقدام کنند؛ البته با رعایت مواد ۱ و ۲ معاهده. علی‌رغم در نظر گرفتن چنین حقی در مذاکرات ان پی تی، عنایتی به توسعه و نیز ضمانت‌های این همکاری‌ها نشد (حجت زاده و سرتیپی، ۱۳۹۱، ش، ص ۳۲۱). در حقیقت کشورهایی که تسلیحات هسته‌ای ندارند، از حق هسته‌ای خود در بهره‌مندی از فناوری سلاح گذشتند تا بتوانند از کمک‌های کشورهای دارای سلاح در زمینه صلح‌آمیز این فناوری برخوردار شوند.

اقتدار بین‌المللی از دیدگاه رهبری

از نظر رهبری، سهم هر کشور در روابط و مناسبات، به اندازه قدرت درونی آن کشور است. هرچه اقتدار درونی بالا رود سهم آن کشور افزایش می‌یابد (بیانات رهبری، ۹۲/۶/۶). اقتدار علمی باعث کاهش آسیب‌پذیری‌های کشور می‌شود. نظر رهبری به پیشرفت هرچه بیش‌تر علمی به صورت قطعی و مسلم است تا تهدید دشمنان در تمام عرصه‌ها پایان یابد. ایشان بارها به حدیث «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ علم، قدرت است»، استناد کرده‌اند. (بیانات رهبری، ۹۷/۷/ ۲۵)

جایگاه قاعده نفی سبیل در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

رهبری جایگاه قاعده نفی سبیل را این‌گونه تبیین می‌کند:

«ما در جمهوری اسلامی دو ایدئولوژی مهم داریم که به آن‌ها پایبندیم و آن دو عبارت از نفی و اثبات است. ما بر اساس مذهب تشیع، قائل به نفی سلطه‌پذیری، نفی وابستگی سیاسی و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور و... هستیم. از جهت دیگر هویت ملی، ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش را اثبات می‌کنیم». (بیانات رهبری، ۸۷/۹/۲۴)

رهبری تحریم را سلاح دشمن می‌داند و به طرز تفکر اشتباه و عدم شناخت دشمنان از ملت ایران متذکر می‌شود و تنها عامل از بین بردن این تحریم و مزاحمت‌ها را اقتدار و ایستادگی ملت می‌داند (بیانات رهبری، ۹۲/۸/۲۹). اقتدار و ایستادگی ملت ایران در سایه اسلام همان مفهوم عزت امت ایران است که از مصادیق علو اسلام و مستفاد از قاعده نفی سیل است. رهبری درباره مسأله هسته‌ای می‌گوید:

«مسأله هسته‌ای، نیاز کشور است؛ هرچند عده‌ای از مسئولان مخالف دستیابی بودند». ایشان با آینده‌نگری، به فکر تولید برق هسته‌ای هستند و اکتفا به انرژی نفت را درست نمی‌دانند:

«مسأله ایرادگیری امریکا و تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌کنند، مربوط به انرژی هسته‌ای نیست، این بهانه است. مسأله انرژی هسته‌ای را ایران در برجام به شکلی که مخالفین ما می‌خواستند، پذیرفتیم اما تهدیدها تمام نشد». (بیانات رهبری، ۹۷/۹/۱۲)

جلوگیری از استفاده صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای

رهبری بحث سلاح هسته‌ای را رد می‌کند و عقیده دارد هیچ‌کس نباید داشته باشد: «پشتوانه این نظام "لا تَظْلَمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ" است. نکته اصلی اینجاست که اگر ایران نداشته باشد، چرا سایر کشورهای ظالم دارند و ایران نه ظلم می‌پذیرد، نه ظلم می‌کند. در اسلام ستم‌پیشگی و ستم‌پذیری هر دو محکومند». (بیانات رهبری، ۹۲/۶/۲۶)

ایشان به نگرانی چند کشور برای تولید سلاح هسته‌ای ایران اشاره دارند که اسم خود را می‌گذارند: "جامعه جهانی"! (بیانات رهبری، ۹۲/۱/۱)

ایشان می‌گویند:

«این که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، دروغ محض و بهانه‌گیری دشمنان است. دشمنان می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. آن‌ها حتی با داشتن سلاح متعارف و امکانات دفاعی ایران مخالفند. اصل نیاز کشور به غنی‌سازی یک امر حقیقی است. تا چند سال دیگر نیروگاه‌های هسته‌ای یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در کشورها خواهند بود. روزی که نفت تمام بشود، نیروگاه‌های هسته‌ای که سالم‌تر و به‌صرفه‌تر هستند، در جهان حرف اول را می‌زنند. غربی‌های مستکبر به دنبال وابستگی ایران هستند». (بیانات رهبری، ۹۹/۱۲/۴)

نتیجه

پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که عالمان دینی بر حاکم شدن این قواعد بر سایر قواعد در هنگام تعارض توافق دارند. در مواضعی رعایت این قواعد، نه تنها شایسته بلکه واجب است. اصول ولایت فقیه، تألیف قلوب، عدالت، وفای به عهد و مصلحت عمومی و تقیه همه در سیاست خارجی اهمیت دارد؛ اما توان سیاسی و نفی سبیل کفار بر همه حاکم است. برای دستیابی به علوم و انرژی‌های نو مانند انرژی هسته‌ای با رعایت مصالح مسلمانان وارد معاهده با کشورهای خارجی می‌شویم و فرصت محور امنیتی-اقتصادی ایران در آسیای مرکزی با چین و روسیه کمک می‌کند تا تسلط دشمنان اسلام محدود شود. اگرچه برای اقتدار بیش‌تر مسلمانان گاهی ناچار به صدور بیانیه‌های بازدارنده برای کشورهای خاطی مثل چین هستیم، گاهی از طریق موضع‌گیری‌های سیاسی موجبات حفظ کیان اسلام و مسلمانان را باید فراهم کنیم؛ مانند دفاع از مسلمانان فلسطین و یمن در سازمان ملل و در این میان هیچ‌چیز مهم‌تر از رعایت مصلحت جامعه اسلامی نخواهد بود که برای عدم استیلای کفار، دستیابی به انرژی‌های نو لازمه قدرت سیاسی کشور است. البته مطابق سخنان رهبری، اگرچه ابتدا به کارگیری قواعدی مثل نفی سبیل آسان به نظر می‌آید، با تسلط عرف بین‌المللی و قدرت‌ها بر عرصه بین‌المللی، اعمال این اصول به مراتب دشوار می‌شود. در این میان نیاز به دیپلماسی قوی دولت اسلامی و همراهی سایر کشورهای اسلامی و ایجاد رأفت قلوب و همبستگی میان مسلمانان منطقه مثل عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان می‌تواند راه را هموارتر کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذیر، محسن (۱۳۷۴ ش)، اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، رسائل فقهیه، المكتبة الفقهیه، قم: کنگره دویستمین سال میلاد شیخ انصاری.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق)، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ ق)، استفتانات، چاپ اول، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
۶. بشری، اسماعیل (۱۳۸۵ ش)، «مینی بمب هسته‌ای»، گریز از منع تعهدات اشاعه تسلیحات هسته‌ای، پژوهشنامه خلع سلاح.
۷. بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۴ ش)، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۶ و ۱۷.
۸. برزگر، کیهان (۱۳۹۷ ش)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم زمستان، شماره ۴ (شماره مسلسل ۸۲)، ص ۱۸۳-۲۰۶. DOR: 20.1001.1.17350727.1397.21.82.7.0
۹. حجت زاده، علیرضا و حسین سرتیپی (۱۳۹۱ ش)، «شیوه‌های حقوقی بین‌المللی همکاری در انتقال فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای»، راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۵، ص ۳۱۹-۳۴۳. DOR: 20.1001.1.10283102.1391.21.4.10.8
۱۰. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵ ش)، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. جانوچانگ، چینگ و چنگ گوانگ شینگ و جی سوان جوانگ (۱۳۷۹ ش)، چین و آسیای مرکزی، ترجمه محمدجواد امیدوارنیا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح، ج ۶، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۳. خلیلیان، سید خلیل (۱۳۷۷)، حقوق بین‌الملل اسلام، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ ق)، کتاب البیع، چاپ اول، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۳ ش)، کشف الاسرار، قم: انتشارات سید جمال.
۱۶. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷ ش)، رسائل العشره، تهران: انتشارات عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، دوره ۲۲، جلدی، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴ ش)، حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه در اندیشه امام خمینی، تیبان، دفتر ۴۵، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۱۹. خمینی، روح‌الله (۱۴۱۵ ق)، المکاسب المحرمه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴ ش)، تحریرالوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۱. خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۱ ش)، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تیبان، دفتر ۲۸، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۷ ق)، الاستصحاب، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۳. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۹/۱۲/۴.
۲۴. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۹۷/۹/۱۲.
۲۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۸۷/۹/۲۴.
۲۶. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار نخبگان علمی، ۹۷/۵/۲۵.
۲۷. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۹۲/۶/۶.
۲۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در حرم رضوی ۹۲/۱/۱.
۲۹. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۹۲/۶/۲۶.
۳۰. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور در مصالای امام خمینی ۹۲/۸/۲۹.
۳۱. سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰ ش)، «اصول سیاست خارجی در قرآن»، علوم سیاسی، ش ۱۵، ص ۱۶۹-۱۸۲.
۳۲. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵ ق)، مبانی الفقه‌الفعال فی القواعد الفقهية الأساسية، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰ ق)، القواعد و الفوائد، محقق: سید عبدالهادی حکیم، ج ۲، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی مفید.
۳۴. شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷ ش)، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۵. شیرخانی، علی (۱۳۸۰ ش)، «دعوت، جنگ و صلح در قرآن»، علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۱۸۳-۱۹۴.
۳۶. شیخ مفید، (۱۴۱۴ ق)، تصحیح الاعتقادات الامامیه، محقق: حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ ق)، کتاب العین، ج ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ ق)، القاموس المحيط، ج ۴، بیروت: مؤسسه الرساله للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ ق)، القواعد الفقهية، چاپ اول، قم: چاپخانه مهر.
۴۰. قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۷)، کتاب بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و یکم، تهران: نشر میزان.

۴۱. قمی، سید تقی (۱۴۲۳ ق)، الأنوار البهية فی القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم: انتشارات محلاتی.
۴۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷ ش)، کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی و ششم، تهران: گنج دانش.
۴۴. طاهری، مهدی (۱۳۹۰ ش)، «ولایت‌مداری در الگوی پیشرفته سیاسی اسلامی ایرانی»، معرفت سیاسی، سال سوم، ش ۶، ص ۱۰۳-۱۴۸.
۴۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، بیروت: موسسه اعلمی.
۴۶. ظریف، محمدجواد و سید مهدی سجادیه (۱۳۹۳ ش)، «صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال دهم، ش ۲، ص ۱۰۳-۱۴۸.
۴۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ ق)، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸ ش)، قواعد فقه، ج ۳ (بخش حقوق عمومی)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴۹. کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲ ق)، انوارالفقاهه، چاپ اول، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۵۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ ق)، بحارالانوار، ج ۱۳، بیروت: موسسه الطبع والنشر.
۵۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق)، التتبیح فی شرح العروه الوثقی، ج ۵، چاپ سوم، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۵۲. مکارم، ناصر (۱۳۵۷ ش)، طرح حکومت اسلامی، قم: هدف.
۵۳. مکارم، ناصر (۱۳۹۱ ش)، تقیه سپری برای مبارزه عمیق‌تر، قم: نسل جوان.
۵۴. مکارم، ناصر (۱۳۹۴ ش)، تقیه و حفظ نیروها، مترجم: سید محمدجواد بنی سعید لنگرودی، چاپ اول، قم: انتشارات علی بن ابی طالب (ع).
۵۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۷ ش)، قواعد فقه، دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۶. موسوی، سید محمد (۱۳۸۲ ش)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات باز.
۵۷. موسوی بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
۵۸. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ ق)، قواعد فقهیه، ج ۱، تهران: مؤسسه عروج.
۵۹. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، «قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال پنجم، ص ۱۷-۴۴.
۶۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۱. نصیری، محمد (۱۳۸۷ ش)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ هجدهم، تهران: موسسه انتشارات آگاه.

62. Divsalar, A. (2019). "The Pillars of Iranian-Russian Security Convergence", *The International Spectator: Italian Journal of International Affairs*: (3) 54, 107-102, doi: 1080/158614/2019/03932729.
63. Garlick, J. Havlová, R. (2020), "China's "Belt and Road" Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry", *Journal of Current Chinese Affairs*, 1-24, doi:10.1177/1868102619898706.
64. Hodek, J. Panadero, M. (2109) "Iran Strategic Report, Center for Global Affairs
65. And Strategic Studies", Center for Global Affairs & Strategic Studies, Available at: doi: 1/10/22261YRJ04YRJ04
66. Hauer, N. (2018), "Vladimir Putin's Mission Accomplished' Moment", *Foreign*
67. Policy, Available at: <http://foreignpolicy.com/06/02/2018/vladimir-putins-missionaccomplishedmoment>. Accessed on: 23 January 2020.
68. Oseiwicz, P. (2018), "The Belt and Road Initiative (BRI): Implications for Iran-China Relations", Available at: 13 March 2020.
69. <https://pressto.amu.edu.pl/index.php/ps/article/view/16700>, Accessed on:
70. Waltz, K.N. (1991), "America as a Model for the World? A Foreign Policy
71. Perspective", *In Focus*, 667-670: (4) 24. Doi: 419401/10/2307

References

1. The Holy Quran.
- A) Persian Sources
2. Azhir, Mohsen, (1374 AH), *Imam Khomeini's Economic Thoughts*, 1st Edition, Tehran: Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution.
3. Ansari, Morteza, (1414 AH), *Rasā'il al-Fiqhiyyah*, al-Maktaba al-Fiqhiyyah, Qom: World Congress on the 200th Anniversary of Sheikh Ansari's Birthday.
4. Ansari, Morteza, (1415 AH), *Al-Makāsib*, 1st Edition, Qom: World Congress on the 200th Anniversary of Sheikh Ansari's Birthday.
5. Behjat, Mohammad Taqi, (1428 AH), *Istiftā'āt*, 1st Edition, Qom: Office of the Grand Ayatollah Behjat.
6. Bushra, Ismail, (1385 AH), *Nuclear Mini-Bomb ;Avoiding the Prohibition on Nuclear Proliferation Commitments*, *Journal of Disarmament Research*.
7. Beygzadeh, Ebrahim, (1374 AH) "The Originality of the Non-Proliferation Treaty," *Legal Research Quarterly*, Vols. 16 & 17.

8. Barzegar, Keyhan, (1397 AH) "Iran's Foreign Policy in Regional Power Balance," *Strategic Studies Quarterly*, 21(4), pp. 183-206. DOR: 20.1001.1.17350727.1397.21.82.7.0
9. Hojatzadeh, Alireza & Sartipi, Hossein (۱۳۹۱), AH, (International Legal Methods of Cooperation in Peaceful Nuclear Technology Transfer, "Strategy Quarterly, 21(65), pp. 319-343. DOR: 20.1001.1.10283102.1391.21.4.10.8
10. Haqiqat, Seyyed Sadegh, (1385 AH), *Principles and Objectives of the Foreign Policy of the Islamic State*, 1st Edition, Tehran: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
11. Jaochang, Ching; Guangxing, Cheng & ,Suanzhuang ,Ji, (1379 AH), *China and Central Asia*, Translated by Mohammad Javad Omidvarniya ,Tehran: Islamic Culture Publishing House.
12. Jowhari, Abu Nasr Ismail bin Hammad, (1407 AH), *Al-Sahāh*, Vol. 6, Beirut: Dar al-Elm L-al-Mulāyīn.
13. Khalilian, Seyyed Khalil, (1377 AH) ,*Islamic International Law*, 6th Edition, Tehran: Islamic Culture Publishing House.
14. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1421 AH), *Kitab al-Bai'*, 1st Edition, Vol. 2, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
15. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1363 AH) ,*Kashf al-Asrār*, Qom: Seyyed Jamal Publication.
16. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1387 AH), *Rasāil al-Ashreh*, Tehran: Urūj Publication affiliated with the Institute for Editing and Publishing the Works Imam Khomeini.
17. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1385 AH), *Sahīfah ۲۲* ,Volums, 1st Edition, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
18. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1384 AH) ,*Islamic State and Wilāyat-e Faqhīh*, 1st Edition, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
19. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1415 AH) ,*Al-Makāsib al-Muharamah*, 2nd Edition, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
20. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1384 AH), *Tahrīr al-Wasīlah*, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.

21. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1381 AH) ,Foreign Policy and International Relations, 1st Edition, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
22. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1417 AH), Al-Istishāb\, 1st Edition, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
23. Khamenei, Seyyed Ali, Statements at the Summit with the members of the Assembly of Leadership Experts, 4/12/1399 AH.
24. Khamenei, Seyyed Ali, Statements at Farhangian University, 12/9/1397 AH.
25. Khamenei, Seyyed Ali, Statements at the Meeting with Professors and Students at the University of Science and Technology, 9/24/1387 AH.
26. Khamenei, Seyyed Ali, Statements at the Meeting with Scientific Elites, 5/25/1397 AH.
27. Khamenei, Seyyed Ali, Statements in the Meeting with the President and Cabinet Members, 6/6/1392 AH.
28. Khamenei, Seyyed Ali, Statements in Razavi Holy Shrine, 1/1/1392 AH.
29. Khamenei, Seyyed Ali, Statements at the Meeting with Commanders of the Islamic Revolutionary Guard Corps, 6/26/1392 AH.
30. Khamenei, Seyyed Ali, Statements in the meeting with Basij Commanders at Imam Khomeini's mausoleum, 8/29/1392 AH.
31. Sajjadi, Seyyed Abdul Qayyum", (۲۰۱۰), Principles of Foreign Policy in the Quran, " Political Sciences Quarterly, Vol. 15, pp. 169-182.
32. Seifi Mazandarani, Ali Akbar, (1425 AH) ,The Basics of Fiqh al-Fa'āl fī al-Qawā'id al-Fiqhiyyah Asāsiyyah, 1st Edition, Qom: Islamic Publication Office.
33. Shahīd Awal, Muhammad bin Makki, (1400 AH), al-Qawā'id wa al-Fawā'id, By Seyyed Abdul Hadi Hakim, Vol. 2, 1st Edition, Qom: Mofid Bookstore.
34. Shakuri, Abulfazl, (1377 AH), Islamic Political Jurisprudence, 2nd Edition, Qom: Bustan-e Kitab Institute.
35. Shirkhani, Ali, (1380 AH), Da'wah, War and Peace in the Quran, Political Sciences Quarterly, 4(15), pp. 183-194.
36. Sheikh Mofid, (1414 A.H.), Tashīh al-Itiqādāt al-Imamiyyah, By Hossein Dargahi, 2nd Edition, Qom :Sheikh Mofid Congress.
37. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1408 AH) ,Kitab al-Ain, Vol. 5, Beirut: Al-Alami Press Institute.
38. Firouzabadi, Muhammad bin Yaqub, (1426 AH), Al-Qāmūs Al-Muhīt, Vol. 4, Beirut: Al-Risālah Institute for Printing, Publication and Distribution.

39. Fazel Lankarani, Muhammad, (1416 AH), *Al-Qawāid al-Fiqhiyyah*, 1st Edition, Qom: Mehr Printing House.
40. Ghazi, Seyyed Abolfazl, (2007), *Essentials of Constitutional Law*, 3rd Edition, Tehran: Mizan Publication.
41. Qomi, Seyyed Taqi, (1423 AH), *Al-Anwār al-Bihyyah fi al-Qawāid al-Fiqhiyyah*, 1st Edition, Qom: Mahalati Publication.
42. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babouyeh, (1413 AH), *Man La Yohazar al-Faqih*, Vol. 4, Qom: Islamic Publication Office affiliated to the Society of Seminary Teachers.
43. Ziai Begdali, Mohammad Reza (1387 AH), *Public International Law*, 36th Edition, Tehran: Ganj-e Danesh.
44. Taheri, Mahdi, (1390 AH), *Provincialism in the Advanced Iranian Islamic Political Model*, *Journal of Political Insight*, 3, (۶)pp. 103-148.
45. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1417 AH), *Al-Mīzān fi Tafṣīr al-Quran*, Vol. 5, Beirut: Al-Alami Publishing Institute.
46. Zarif, Mohammad Javad & Sajjadih, Seyed Mehdi (2013), "Formulation of Maslahat Discourse in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran," *Political Science Quarterly*, 10(2), pp. 103-148.
47. Amid Zanjani, Abbas Ali, (1421 AH), *Political Jurisprudence*, Tehran: Amir Kabir Publication.
48. Amid Zanjani, Abbas Ali, (1388 AH), *Rules of Islamic Jurisprudence*, Vol. 3 (Public Law), Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books for Universities (SAMT).
49. Kashif al-Ghita, Hassan, (1422 AH), *Anwār al-Fiqhāhah*, 1st Edition, Najaf: Kashif al-Ghita Institute.
50. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1410 AH), *Bihār al-Anwār*, Vol. 13, Beirut: Printing and Publishing Institute.
51. Mousavi Khoei, Seyyed Abul Qassim, (1418 AH), *Al-Tanqīh fi Sharh al-Urwah al-Wusqā*, Vol. 5, 3rd Edition, Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam al-Khoei.
52. Makarem, Nasser, (1357 AH), *Islamic State Plan*, Qom: Hadaf Publication.
53. Makarem, Nasser, (1391 AH), *Taqiyyah as a Strategy for a Deeper Struggle*, Qom: Nasl-e Javan.
54. Makarem, Nasser, (1394 AH), *Taqiyyah and Protection of Forces*, Translated by Seyyed Mohammad Javad Bani Saeed Langroudi, 1st Edition, Qom: Ali Bin Abi Talib (AS) Publication.

55. Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa, (1387 AH), *Rules of Islamic Jurisprudence*, 12th Edition, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center.
56. Mousavi, Seyyed Mohammad, (1382 AH), *Diplomacy and Political Behavior in Islam*, 1st Edition, Tehran: Baz Publication.
57. Mousavi Bojnourdi, Mirza Hassan, (1419 AH), *Al-Qawāid al-Fiqhiyyah*, 1st Edition, Qom: Al-Hadi Publishing House.
58. Mousavi Bojnourdi, Seyyed Mohammad, (1401 AH), *Al-Qawāid al-Fiqhiyyah*, Vol. 1, Tehran: Urūj Institute.
59. Mohammadi, Manouchehr, (1387 AH), "Soft Power: The Social Capital of the Islamic Republic of Iran", *th Khordad Quarterly*, 3(5), pp. 17-44.
60. Najafi, Muhammad Hassan, (1404 AH), *Jawāhir al-Kalām fi Sharh Sharāye al-Islam*, 7th Edition, Beirut: Institute for the Revival of Arabic Culture.
61. Nasiri, Mohammad, (1387 AH), *Private International Law*, 18th Edition, Tehran: Agah Publishing Institute.

B) English Sources

62. Divsalar, A. (2019), "The Pillars of Iranian-Russian Security Convergence", *The International Spectator: Italian Journal of International Affairs*, 107-122: (3) 54, doi 1080/158614/2019/03932729
63. Garlick, J & Havlová, R. (2020), "China's Belt and Road Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry", *Journal of Current Chinese Affairs*, 1-24, doi:10.1177/1868102619898706.
64. Hodek, J & Panadero, M. (2019), "Iran Strategic Report, Center for Global Affairs and Strategic Studies", Center for Global Affairs & Strategic Studies, doi: 1/10/22261YRJ04 Available at:
65. Hauer, N. (2018), "Vladimir Putin's Mission Accomplished Moment", *Foreign Policy*, Available at :<http://foreignpolicy.com/06/02/2018/vladimir-putins-missionaccomplishedmoment>. Accessed on: January, 23, 2020.
66. Osewicz, P. (2018), "The Belt and Road Initiative (BRI): Implications for Iran-China Relations", Available at : <https://pressto.amu.edu.pl/index.php/ps/article/view/16700>, Accesed on: March, 13, 2020.
67. Waltz, K.N. (1991), "America as a Model for the World? A Foreign Policy Perspective", *In Focus*, 667-670: (4) 24, doi: 419401/10/2307.